



Discovering the Communication Pattern of Couples with a History of Tendency to Divorce: A Data-Based Study

Ramin Tabarraei¹, Ali Akbar Asghari rad², Samaneh Najary Forushani³, Mohammad Mehregan³

1. (Corresponding author)* Assistant Professor, Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

2. Ph.D Student of Consulting, Department of Consulting, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

3. Ph.D Student of Consulting, Department of Consulting, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

4. Ph.D Student of Consulting, Department of Consulting, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Abstract

Aim and Background: Divorce, as a social harm, affects the family structure and creates the basis for numerous problems in society. Therefore, this study was conducted with the aim of discovering the communication pattern of couples with a history of tendency to divorce with a qualitative approach and data-based method.

Methods and Materials: The participants of the study included all couples referring to counseling centers and family courts in Isfahan in 1401 due to divorce. Therefore, 12 people were selected from them by purposive sampling. The data collection method was semi-structured interview. The Glaser and Strauss three-stage coding method was used to analyze the data. To obtain the reliability of the findings, the four criteria of confirmability, validity, reliability and transferability of Lincoln and Guba were used.

Findings: Data analysis resulted in 82 primary codes, 11 subcategories, 9 categories and 4 paradigms and a theoretical model.

Conclusions: The results showed that the communication pattern of couples with a history of divorce can be classified into four categories: causal conditions, background conditions, facilitating factors, and consequences. In the causal conditions section, three categories were found: emotional divorce, motivational structure, and lack of marital intimacy; in the facilitating factors section, two categories were found: unfamiliarity with married life and applying unreasonable restrictions; in the background conditions section, three categories were found: intrapersonal conflicts, lack of emotional interactions, and dissatisfaction with the spouse's performance; and in the consequences section, two categories were found: dominance (dominance of the individual ego) and lack of trust in the communication pattern of couples with a history of divorce.

Keywords: Communication pattern, couples, divorce, database

Citation: Tabarraei R, Asghari rad AA, Najary Forushani S, Mehregan M. **Discovering the Communication Pattern of Couples with a History of Tendency to Divorce: A Data-Based Study.** Res Behav Sci 2025; 22(4): 607-622.

* Ramin Tabarraei,

Email: Ramintabarraei@gmail.com

کشف الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق: یک مطالعه داده بنیاد

رامین تبرایی^۱، علی اکبر اصغری راد^۲، سمانه نجاری فروشانی^۳، محمد مهرگان^۴

۱- (نویسنده مسئول)* استادیار، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲- دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۳- دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۴- دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی، بر ساختار خانواده اثر گذاشته و زمینه‌ساز مسائل عدیده‌ای در جامعه می‌شود. از این رو این پژوهش با هدف کشف الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق با رویکرد کیفی و به روش داده بنیاد انجام شده است.

مواد و روش‌ها: مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل کلیه زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و دادگاه خانواده در شهر اصفهان سال ۱۴۰۱ به دلیل طلاق می‌باشند. لذا از میان آنان تعداد ۱۲ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. روش گردآوری اطلاعات مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری سه مرحله‌ای گلیرز و اشترواس استفاده شد. برای کسب قابلیت اطمینان‌پذیری یافته‌ها از معیارهای چهارگانه تأیید پذیری، اعتبار پذیری، قابلیت اطمینان و انتقال‌پذیری لینکن و گوبا استفاده شد.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها منجر به ۸۲ کد اولیه، ۱۱ زیر مقوله، ۹ مقوله و ۴ پارادایم و یک الگوی نظری شد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق را می‌توان در ۴ چهار پارادایم شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، عوامل تسهیل‌کننده و پیامدها طبقه‌بندی کرد. در بخش شرایط علی سه مقوله طلاق عاطفی، ساختار انگیزشی و فقدان صمیمیت زناشویی، در بخش عوامل تسهیل‌کننده دو مقوله عدم آشنایی نسبت به زندگی زناشویی و اعمال محدودیت‌های بدون منطق، در بخش شرایط زمینه‌ای سه مقوله تعارض‌های درون فردی، عدم وجود تعاملات عاطفی و نارضایتی از عملکرد همسر و در بخش پیامدها دو مقوله سلطه‌گری (حاکم بودن من فردی) و عدم اعتماد در الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق به دست آمد.

واژه‌های کلیدی: الگوی ارتباطی، زوجین، طلاق، داده بنیاد.

ارجاع: تبرایی رامین، اصغری راد علی اکبر، نجاری فروشانی سمانه، مهرگان محمد. کشف الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق: یک مطالعه

داده بنیاد. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۴۰۳؛ ۲۲(۴): ۶۰۷-۶۲۲

*- رامین تبرایی،

رایانامه: Ramintabarai@gmail.com

مقدمه

ازدواج، یک نهاد چالش‌برانگیز است. علیرغم اینکه اکثر ازدواج‌ها شروع خوبی دارند اما درنهایت زوج‌ها از رابطه‌ی خود راضی نیستند. به نظر می‌رسد که شادی، ثبات و رضایت از ازدواج بستگی به خود زوج دارد. ازدواج، موضوعی نیست که فقط مربوط به دو فرد باشد، بلکه به‌عنوان یک رویداد، به خانواده و جامعه هم مربوط می‌شود. عناصر تشکیل‌دهنده‌ی یک ازدواج موفق، عشق، ارتباط خوب، تعهد، تفاهم، نگرانی، مراقبت از یکدیگر و با هم بودن است. ارتباط مؤثر، شرط لازم برای سلامت روانی و عاطفی، شادی و ثبات زناشویی است (۱). خانواده به لحاظ قدمت ابتدایی‌ترین و به لحاظ گستردگی جهان‌شمول‌ترین نهاد اجتماعی است. روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هراندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد به‌تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (۲).

زندگی مشترک از عوامل متعددی متأثر می‌شود که پاره‌ای از آنها ممکن است زوج‌ها را به‌طرف اختلافات و درگیری، جدایی روانی و دلزدگی و حتی طلاق سوق دهد (۳). یکی از عواملی که به نظر می‌رسد با گرایش به طلاق مرتبط باشد، کیفیت و چگونگی ارتباط زوجین است. الگوی ارتباطی زوج‌ها، یعنی کانال‌های ارتباطی است که از طریق آنها زن و شوهر یکدیگر به تعامل می‌پردازند (۴). الگوهای ارتباطی زوجین، فرایندی است که طی آن زن و شوهر به‌صورت کلامی و غیرکلامی با یکدیگر تعامل برقرار می‌کنند (۵). رابطه زوجین، در زمره پیچیده‌ترین روابط انسانی قرار دارد و هیچ‌یک از روابط انسانی، همانند رابطه زوجین، دارای ابعاد وسیع و متعدد نیست؛ زیرا ارتباطات انسانی، هر یک، بعدی از ابعاد حیات را می‌پوشاند، ولی روابط زوجین، همزمان دارای همه ابعاد زیستی، اقتصادی، عاطفی و نیز روانی- اجتماعی است. به‌طورکلی، ازدواج مستلزم برقراری ارتباط مؤثر و کارآمد است. در حمایت از این موضوع، بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند، ارتباط زناشویی کارآمد، پیش‌بینی کننده قوی کیفیت زناشویی و در مقابل، ارتباط زناشویی ناکارآمد، سرچشمه عمده نارضایتی است. بر همین پایه می‌توان گفت مشکلات ارتباطی، شایع‌ترین و مخرب‌ترین مشکلات در ازدواج‌های شکست‌خورده است (۶). ارتباط زناشویی، عبارت است از فرایندی که در طی آن، زن و شوهر چه به‌صورت کلامی در قالب گفتار و چه به‌صورت غیرکلامی، در

قالب گوش دادن، مکث، حالت چهره و ژست‌های مختلف با یکدیگر به تبادل احساسات و افکار می‌پردازند. یکی از راه‌های نگرستن به ساختار خانواده، توجه به الگوی ارتباطی زوجین یعنی کانال‌های ارتباطی است که از طریق آنها زن و شوهر با یکدیگر به تعامل می‌پردازند. به آن دسته از کانال‌های ارتباطی که به‌وفور در یک خانواده اتفاق می‌افتد، الگوهای ارتباطی گفته می‌شود و مجموعه این الگوها شبکه ارتباطی خانواده را شکل می‌دهد (۷). در الگوهای ارتباطی خانواده فیتز پاتریک و ریچی (۱۹۹۴) دو بعد زیربنایی جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی مطرح شده است. هم‌نوایی در خانواده‌هایی که گفت‌و شنود وجود دارد، اعضای خانواده به‌طور مکرر و به‌صورت خودانگیخته با یکدیگر در تعامل هستند، به‌طور آزادانه درباره موضوع‌های مختلف با یکدیگر به بحث و تبادل نظر می‌پردازند و با هم‌فکری، تصمیم‌های مربوط به خانواده را اتخاذ می‌کنند. جهت‌گیری هم‌نوایی به این معناست که روابط خانواده بر همسان بودن بازخوردها، ارزش‌ها، عقاید و اجتناب از تعارض تأکید می‌کند (۸). الگوی ارتباطی گفت‌و شنود با از بین بردن تعارضات زناشویی و سوءتفاهم‌ها در ارتباطات بین فردی زوجین زمینه را برای افزایش رضایتمندی زناشویی فراهم و از طلاق عاطفی جلوگیری می‌کند. الگوی ارتباطی هم‌نوایی با به‌خطر انداختن سلامت روان‌شناختی افراد، ریسک ابتلا آنها به اختلالات روان‌شناختی را افزایش و از این طریق می‌تواند موجب طلاق عاطفی شود (۳). از طرفی طلاق به‌عنوان پدیده‌ای که باعث جدایی میان دو نفر می‌شود، امری مشترک در همه جوامع است؛ اما شناخت آن از پیچیدگی‌های بسیار برخوردار است و همین پیچیدگی‌ها، مطالعه آن را دشوار ساخته است. از آنجاکه ارتباط زن و شوهر غنی‌ترین و چندبعدی‌ترین ارتباط انسانی است، اهمیت الگوهای ارتباطی، به‌قدری است که سنگ زیربنای بهزیستی کلی خانواده عنوان شده است، به‌طوریکه الگوهای ارتباطی آشفته، بر سلامت روان زوج اثر چشمگیری دارد (۹)؛ بنابراین شناخت و درک علل واقعی طلاق، نیازمند ابزاری بس دقیق و پیچیده است. با توجه به اینکه، طلاق یکی از اثرگذارترین پدیده‌های اجتماعی برای خانواده و جامعه است، مطالعه در این باب از دیدگاه روان‌شناختی و سایر علوم مرتبط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (۱۰)؛ لذا بر اساس آنچه تا اینجا ذکر شد و با در نظر گرفتن ناکافی بودن یافته‌های پژوهش‌های پیشین که در بخش‌های قبلی مورد اشاره قرار گرفتند، هدف از انجام این مطالعه کشف الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش

گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری‌شده، به‌منظور پاسخگویی به پرسش‌های نوین، در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کامل برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند. تئوری داده بنیاد روشی است برای دستیابی به شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه و موضوع یا موضوعاتی که پیش‌ازاین در مورد آنها تحقیق جامعی نشده است و دانش ما در آن زمینه محدود است (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰).

شرکت‌کنندگان

مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل کلیه زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و دادگاه خانواده در شهر اصفهان سال ۱۴۰۱ به دلیل طلاق می‌باشند. در پژوهش‌های کیفی حجم نمونه به اشباع نظری سؤالات موردبررسی بستگی دارد؛ نمونه‌گیری در پژوهش کیفی سعی در تعیین گروه‌های ویژه‌ای از مردم را دارد که دارای ویژگی‌های یکسان بوده یا در موارد مشابهی از پدیده‌ی اجتماعی موردپژوهش زندگی می‌کنند. روش نمونه‌گیری مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش به‌صورت روش هدفمند از نوع کیفی بود؛ بنابراین با توجه به موضوع پژوهش که یافته‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته بر روی مشارکت‌کنندگان به دست آمد، ۲۰ زوج که درگیر طلاق بودند و تمایل به مصاحبه داشتند که درنهایت با ۱۲ نفر، داده‌ها به اشباع رسید.

ویژگی‌های جمعیت شناختی

در ابتدا ویژگی‌های جمعیت شناختی افراد شرکت‌کننده در پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱. نتایج ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سن	جنسیت	سابقه ازدواج	تحصیلات	وضعیت شغلی
۱	۴۲	مرد	۱۸	لیسانس	آزاد
۲	۴۵	مرد	۲۰	لیسانس حسابداری	کارمند بانک
۳	۴۵	مرد	۲۲	لیسانس حسابداری	کارمند بانک
۴	۵۵	مرد	۲۳	لیسانس روانشناسی	آزاد
۵	۵۴	زن	۳۲	لیسانس روانشناسی	مؤسس پیش‌دبستان و مهدکودک
۶	۴۵	زن	۱۶	دیپلم	آرایشگر
۷	۴۸	زن	۲۶	کارشناس روانشناسی	روان‌شناس
۸	۴۵	زن	۳۴	دیپلم	خانه‌دار
۹	۳۵	زن	۴	لیسانس	کارمند

به طلاق با رویکرد داده بنیاد، رویکرد داده بنیاد روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را طی یک فرایند منظم، به‌جای استنتاج از پیش‌فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها و یا چارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از خود داده‌ها کشف می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، نظریه داده بنیاد مجموعه‌ای از شیوه‌ها برای توسعه دادن نظریه استقرایی در مورد یک پدیده خاص است (۱۱). لذا در پژوهش حاضر به دنبال جواب این سؤال هستیم که چه عوامل، شرایط و پیامدهایی در ارتباط با الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق مؤثر است؟

مواد و روش‌ها

در این پژوهش عوامل مرتبط با الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق با روش کیفی و به شیوه داده بنیاد و بر اساس روش استرواس و کوربین انجام شد؛ یکی از مهم‌ترین انواع تحقیقات کیفی که مبتنی بر مشارکت و استفاده از تجارب گروه‌های شرکت‌کننده در تحقیق است، روش داده بنیاد (تئوری زمینه‌ای) است. روش داده بنیاد تنها راه انجام روش‌های کیفی نیست؛ اما این روش با مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و روش‌های خاص خود فرصتی برای تفکر نظری در باب داده‌های به‌دست‌آمده در متن فراهم می‌کند. روش داده بنیاد فرایندی برای تعمیم نتایج حاصل از یک مشاهده‌ی خاص به نظریه‌ای جامع‌تر است. نظریه‌ای که در زندگی انسان‌ها نشو و نما می‌یابد، همان‌گونه که از معنای واژه گراند (رستن، از زمین برآمدن) برمی‌آید. طی این روش تئوری استقرایی از تجارب زندگی روزمره، مرادوات، مستندات، ادبیات و مشاهدات استخراج می‌گردد (ناصری و پیری، ۱۳۹۶). درواقع، نظریه داده بنیاد عبارت است از فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از طریق

جدول ۱. نتایج ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سن	جنسیت	سابقه ازدواج	تحصیلات	وضعیت شغلی
۱۰	۳۷	زن	۱	لیسانس	مدرس زبان
۱۱	۳۹	زن	۹	دیپلم	خانه‌دار
۱۲	۵۶	زن	۳۰	دیپلم	خیاط

دهد که درباره موضوع پژوهش بیشترین اطلاعات را در اختیار محقق قرار دهند (۱۱).

تحلیل یافته‌های پژوهش

برای کدگذاری یافته‌های پژوهش از روش گلیزر و اشترواس (۱۹۶۷) استفاده خواهد شد. کدگذاری باز در این مرحله بررسی یادداشت‌ها به صورت کلی و به صورت خط به خط و تولید مفاهیم با توجه به پدیده موردنظر صورت می‌گیرد. به عبارتی به بیان اشترواس و کوربین (۱۹۹۸) کدگذاری باز فرایند تحلیلی است که از طریق آن مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌های یافته‌ها کشف می‌شود؛ و به عبارت بهتر در این نوع کدگذاری مفاهیم درون مصاحبه‌ها و اسناد و مدارک بر اساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه‌بندی می‌شوند. کدگذاری محوری، پژوهشگر برای اینکه با کدهای کمتری فعالیت خود را ادامه دهد، کدهایی که از مفاهیم اول انتزاعی‌تر است با محتوای مشترک در هم ادغام می‌کند. در واقع کدهای مشترک مرحله‌ی کدگذاری باز گروه‌بندی و در غالب یک مفهوم خاص توصیف می‌شوند و مقوله‌بندی می‌شوند. به‌عزم اشترواس و کوربین (۱۹۹۸) کدگذاری محوری فرایند ربط دهی مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است؛ و به بیان لی (۲۰۰۱) در این مرحله مقوله‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد حاصل از کدگذاری باز تدوین شده و سر جای خود قرار می‌گیرند تا دانش فزاینده‌ای در مورد روابط ایجاد گردد. کدگذاری انتخابی یا گزینشی، بنا بر یادداشت‌های کدگذاری شده و مضامین و یادداشت‌های فکورانه مفاهیم اصلی پژوهش ایجاد می‌شود. در واقع فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها است (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶).

یافته‌ها

برای پاسخگویی به سؤال پژوهش که چه عوامل، شرایط و پیامدهایی در ارتباط با الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق مؤثر است؟ به استخراج کدهای باز، مقوله‌ها و مضامین اصلی پرداخته شده است. لذا نتایج حاصل از سؤال پژوهش در جدول‌های زیر ارائه می‌گردد.

ابزارهای پژوهش

به‌منظور ثبت داده‌های گردآوری اطلاعات از ابزار مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده می‌شود. تمرکز بیشتر مصاحبه‌کننده‌ها بر فرایند مصاحبه، با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان، کیفی و همچنین از نکته‌های کلیدی هر فرایند مصاحبه‌ها تمام به‌وسیله دستگاه ضبطصوت ثبت می‌گردد. مصاحبه به‌طور میانگین بین ۴۵ تا ۷۰ دقیقه به زمان نیاز دارد. برای اطمینان از قابلیت اعتبار مصاحبه یادداشت‌برداری انجام خواهد شد. پس‌از آن پیاده‌سازی متن صورت می‌گیرد. برای اطمینان از قابلیت اعتبار پژوهش از روش بررسی اعضا (مصاحبه‌شوندگان) همچنین با استفاده از روش‌های سه سو سازی، بازخورد مشارکت‌کنندگان و خبرگان غیر مشارکت‌کننده از اعتبار تحلیل‌ها اطمینان حاصل می‌شود.

اعتبار داده‌های کیفی

لینکن و گوبا (۱۹۸۵) در پژوهش کیفی به‌جای استفاده از واژه‌های اعتبار و روایی کمی از معیار اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد استفاده کردند. چهار معیار اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأیید پذیری را ارائه نمودند (عباسزاده، ۱۳۹۱). همچنین پژوهشگر برای صحت و باورپذیر بودن اطلاعات از دو روش زیر استفاده کرده است؛ پس از انجام هر مصاحبه و نوشتن متن مصاحبه، محتوای متن همراه با تحلیل‌های پژوهشگر از محتوا به مشارکت‌کننده ارجاع داده‌شده تا پس از تأیید مشارکت‌کننده از محتوای و اصالت متن، پژوهشگر از درستی برداشت خود اطمینان حاصل نماید که به این روش بررسی توسط مشارکت‌کنندگان می‌گویند. در دومین روش یعنی توصیف توسط هم‌تایان، پژوهشگر یکی از متن‌های مصاحبه را همراه با یادداشت‌های خود در اختیار محقق قرار می‌دهد که قبلاً از این روش برای پژوهش استفاده کرده است تا درستی و صحت فرایند پژوهش و عدم سوگیری ذهنی محقق را در نوشته‌های اولیه خود موردبررسی قرار دهد. معیار انتقال‌پذیری در پژوهش حاضر به‌وسیله نمونه‌گیری هدفمند موردبررسی قرار گرفته است؛ بنابراین پژوهشگر مشارکت‌کنندگانی را مورد مصاحبه قرار می‌

جدول ۲. کدگذاری باز داده‌های خام

مقوله	زیر مقوله	کدهای اولیه	داده‌های خام	
تعارض‌های درون فردی	نقصان فردی	حضور کم در منزل	فقط نبودن همسر به مدت طولانی باعث شد که من توجهی دریافت نکنم و جرئت این را داشته باشم	
		عدم توجه به همسر	وقتی حرف می‌زد توجه کافی به او نمی‌کردم	
		عدم توجه به احوالات روحی همسر	متوجه من نبود حالم را نمی‌پرسید	
		عدم توجه به رضایتمندی همسر	اصلاً براش مهم نیست که من راضی هستم یا نیستم.	
		نبود گوش شنوا	مدام شکایت و غر می‌زد دیگه روانییم کرده بود و دلم یک گوش شنوا می‌خواست	
		عدم ارتباط کلامی	ما کلاً با هم حرفی نداشتیم بزنیم.	
		عدم انعطاف‌پذیری و مکمل بودن	ما کلاً دوتا دیدگاه مخالفیم انگار از دو تا جهان متفاوت هر چی من میگم اون نمیشنوه و هر چی اون میگه به گوش من نمیره	
		عدم درک و فهم همسر	هر چی بهش می‌گم انگار نه‌انگار اون کار خودش را می‌کنه انگار این بشر اصلاً حرف من را نمی‌فهمه	
		عدم تعهد در قبال همسر	اصلاً منو درک نمی‌کرد که من چه شرایط دارم و چی می‌خام و چه نیازهایی دارم فقط خودش براش مهم بود	
		تحقیر کردن	شوهرم من توی خونه مثل یک زندانی با من رفتار می‌کرد.	
طلاق عاطفی	تعارض‌های عاطفی	نبود عشق	اصلاً زندگی با من برایش مهم نبود.	
		قطع ارتباط	من کاری که دوست داشتم می‌کردم اونم همین‌طور چون صحبتی با هم نداشتیم	
		عدم حمایت عاطفی	من رو تو بدترین شرایط تنها می‌گذاشت و معلوم نبود کجا بود برای همین ازش فاصله گرفتم و زدم به بی‌خیالی	
		نادیده‌انگاری	اصلاً من به چشم همسر نمی‌آمدم انگار نه‌انگار من توی زندگی‌اش وجود داشتم	
		عدم رضایتمندی از زندگی زناشویی	من از اول همیشه حواسم به کار بود و اطرافیان و اینکه باید در امور زندگی و بچه داری به ایشون کمک می‌کردم و رفتار خوب داشته باشیم و اینکه در کنار ایشون باشم ولی اشتباه کردم، ولی اشتباه کردم	
		عدم اهمیت به خواست و نیاز همسر	وقتی ازش نظر می‌پرسیدم می‌گفت هرچی خودت می‌خای و دوست داری، من نظری ندارم	
		حرف شنوی مطلق از خانواده	فقط حرف پدر و مادرش را گوش می‌داد و می‌گفت تو هر کاری که آن‌ها می‌گویند باید انجام بدهی	
		عدم حس امنیت در زندگی زناشویی	وقتی مشکلی برای من پیش می‌آید اصلاً نمی‌تونم روش حساب کنم	
		تعارض‌های ارتباطی	اهمیت دادن به شغل	وقت برای من نمی‌گذاشت و همیشه سرش بکار خودش بود
			عدم وقت‌گذاری با همسر	هیچ‌وقت یک‌زمانی را برای گردش و تفریح با من ندارد اما می‌دانم با کسانی دیگر است
عدم گفت و گو	دوست دارد حرف بزنه ولی من اجازه نمی‌دهم			
نفرستادن پیام یا زنگ نزدن	ساعت‌ها با دیگران صحبت می‌کنه اما یک پیام یا تلفن توی روز به من نمیزنه حال من را بپرسه			
عدم وجود تعاملات عاطفی	تامین نشدن نیازهای عاطفی	عدم ابراز احساسات به طور کلامی	اصلاً کلامی بلد نبود ابراز احساسات کنه درحالی‌که من خیلی دوست داشتم به هم بگه که دوستم داره و وقتی بهش می‌گفتم می‌گفت نمی‌بینی برات چکار می‌کنم باید بفهمی که یعنی دوست دارم اما برای من مهم نبود	
		سرد بودن همسر و عدم بیان جملات عاشقانه	زن من خیلی سرد برخورد می‌کنه و یک عزیز و جانم به من نمی‌گفت دست خودش نبود تربیت خانوادگی‌شون این طور بود اما من دلم می‌خواست و وقتی بهش می‌گفتم چند بار می‌گفت و دوباره تمام می‌شد	

جدول ۲. کدگذاری باز داده‌های خام

مقوله	زیر مقوله	کدهای اولیه	داده‌های خام	
		عدم ابراز عشق به صورت عملی	تاریخ‌ها و مناسبت‌های مهم یادش نبود و هیچ‌وقت یک کادو برای من نخرید و وقتی بهش می‌گفتم امروز چه روزیه می‌گفت چه حرف‌ها من اینقدر سرم شلوغه اصلاً این چیزها برام مهم نیست	
ساختار انگیزشی	درماندگی آموخته شده	بی‌محلی کردن	بعداً بی‌محلی می‌کرد	
		سکوت کردن	هر موقع باهاش حرف می‌زنم سکوت می‌کنه و هیچ حرفی نمی‌زند	
		پاسخ ندادن به همسر	به شوهرم جواب نمی‌دادم و کار خودم را می‌کردم	
		سکوت کردن به خاطر عدم اهمیت همسر	من هر چی بخوام بهش نمی‌گم چون می‌بینم اصلاً مهم نیست	
		قطع ارتباط یک طرفه	من با او حرف نمی‌زدم	
		پنهان کاری	من همه چیز را از همسرم پنهان می‌کنم	
		درمانده شدن در روابط	اینکه مرد آرام و خانواده دوست بود ولی خیلی از کارهای او مورد قبول من نبود اما بهش چیزی نمی‌گفتم چون فایده‌ای نداشت	
		گفت و گوهای کلیشه ای	ما کلاً خیلی وقته حرف نمی‌زنیم در حد یک معاشرت ساده	
		سؤال پرسیدن‌های تکراری و بی‌جواب	همه چیز را به‌طور واضح برای اون می‌گفتم و هر روز ازش می‌پرسیدیم که چرا این کارها را با من می‌کنی؟ چرا زندگی مشترک مون را نابود می‌کنی؟ چرا دست از این کارهای بد بر نمی‌داری؟	
		اقدامات رفتاری (هیجان‌های منفی)	عدم رازداری	اگر مورد باشه میره به خانواده یا دوستانم میگه
سر بچه خالی کردن	وقتی حرفمون میشه سر بچه خالی می‌کنه و آن را توی اتاق زندانی می‌کنه			
ترک مکان	چون حوصله توجهیه و دروغه‌اشو ندارم وقتی حرف می‌زنم می‌روم			
بهبانه گیری	نمی‌تونستم راحت با همسرم صحبت کنم چون وقتی باهاش حرف می‌زدم بعداً از آن‌ها برای محکوم کردن خودم استفاده می‌کرد			
قهرهای مکرر	وقتی حرف می‌زنم سر بچه خالی می‌کنم می‌روم وقتی باهاش حرف می‌زدم بعداً از آن‌ها برای محکوم کردن خودم استفاده می‌کردم کاری نمی‌تونستم بکنم فقط می‌تونستم قهر کنم و باهاش حرف			
ارتباط را قطع کردن	وقتی باهام حرف می‌زد چون دوستش نداشتم برام مهم نبود که چی میگه می‌گفت تو راست می‌گی و ارتباط را قطع می‌کردم			
فقدان عکس العمل های عاطفی	من عادت داشتم درباره همه چی با همسرم حرف بزنم وقتی با خوشحالی و شوق و ذوق یا با ناراحتی باهاش حرف می‌زدم اون هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌داد انگار نه انگار یا با موبایلش بازی می‌کرد یا اخم می‌کرد یا با اطراف ور می‌رفت. موقعی که حرف می‌زدم فقط توی تلویزیون یا گوشیش بود			
عدم آشنایی نسبت به زندگی زناشویی	عدم مهارت روابط بین فردی		من همینم که هستم	به من میگه من همینم
			اهمیت شغل بر همسر	اصلاً توجهی به من نداشت فقط کار براش مهم بود.
			توجه کردن	وقتی حرف می‌زنم مدام توجهیه می‌کنه و دلیل می‌آوره
اعمال محدودیت‌های بدون منطق	عدم بکارگیری مهارت‌های زندگی	محکوم کردن دیگری	من وقتی می‌پرسیدم کجا بودی می‌گفتم تو به همه چیز گیر میدی.	
		حالت دفاعی گرفتن	وقتی از دست کاره‌اش ناراحتم و بهش میگم میگه تو بیخودی نگران و ناراحتی تو دیوانه‌ای	
		بهبانه جویی کردن	توی رابطه با همسرم راحت نبودم چون اصلاً گوش به حرف من نمی‌داد و فقط دنبال	

جدول ۲. کدگذاری باز داده‌های خام

مقوله	زیر مقوله	کدهای اولیه	داده‌های خام
			بهانه‌جویی بود
		به دنبال جواب بودن	وقتی دارم باهاش حرف می‌زنم فقط به فکر اینکه که چطوری توجیه کنه و گاهی اصلاً جواب‌هایش به سؤال من ربطی نداره
فقدان صمیمیت زناشویی	تعارض‌های اخلاقی	عدم احترام به همسر	بی‌احترامی اندک‌اندک باعث این مشکل شده
		بی‌احترامی کردن	خیلی زیرپوستی بی‌احترامی می‌کند
		بداخلاقی کردن	بداخلاقی و بدخلقی که با ایشان می‌کردم
		کتک زدن	اگر شکایتی می‌کردم کتک می‌زد و می‌رفت دخترم را توی اتاق زندانی می‌کرد به ما غذا نمی‌داد.
		پرخاشگری	سرم داد می‌زد
		ایراد گرفتن‌های زیاد	اخلاق خشک و بی‌حساب مذهبی داشت به من ایراد می‌گرفت
		مهربان نبودن	ایشون اصلاً اخلاق و رفتار مهربانی نداشت
		نداشتن رفتارهای عاشقانه	رفتارهای عاشقانه نداشت
		انجام کلک و حقه بازی	خیلی خیلی انواع و اقسام حقه‌بازی‌ها را انجام می‌دهد و بعد می‌پیچونه
		عدم شوخ‌طبعی	شوخی نمی‌کنه و همه چیز را جدی برداشت می‌کرد
		امرونی‌ی زیاد کردن	همسر مدام امرونه‌ی می‌کند و من باید انجام بدهم
		پرخاشگری برای صحبت نکردن	وقتی می‌گویم صحبت کنیم بهانه‌گیر و پرخاشگر می‌شود
		انتقاد و شکایت کردن	مدام از شکایت می‌کردم و شکایت داشتم
		بد دهان بودن	توی جمع با صدای بلند و بدو بیراه با من حرف می‌زنه
		غر زدن	مدام فقط غر می‌زنه و زبان خوش نداره
		سرزنش و تحقیر کردن	وقتی زن و شوهرای دیگه رو میدیدم که توخیابون با هم راه میرن به هم ابراز علاقه و عشق میکنند، عذاب می‌کشیدم و وقتی بهش می‌گفتم من را سرزنش و تحقیر می‌کرد که تو میخای مثل این بچه‌های جلف باشی، واقعاً ارزشت در همان حد
نیش و کنایه زدن	مدام نیش و کنایه می‌زد		
تمسخر کردن توی جمع	همسر من را توی جمع خرد می‌کرد و کارهای من را به تمسخر برای بقیه تعریف می‌کرد و وقتی بهش می‌گفتم من ناراحت میشم می‌گفت من که چیزی نگفتم دور یک چیزی گفت بخندیدم اما من خیلی ناراحت می‌شدم برای همین با یک خانمی دوست شدم که به من خیلی عزت و احترام می‌گذاشت		
نارضایتی از عملکرد همسر	تغییر انتظارات متقابل زناشویی	حسرت خوردن نسبت به زندگی دیگران	وقتی دوستانم را می‌دیدم با همسرانشون بیرون می‌روند تفریح می‌کنند، با هم بیرون غذا می‌خورند و در کنار هم هستند من خیلی ناراحت می‌شوم.
		مقایسه زندگی با دیگران	دائم خودم و زندگی‌ام را با دیگران مقایسه می‌کردم و کار من بسیار اشتباه بود.
		مقایسه همسر با دیگران	موقع حرف زدن مدام می‌گفت از فلانی یاد بگیر
		لجبازی کردن و ساز مخالف زدن	هر کاری می‌کنه فقط میخاد لجبازی کنه و ساز مخالف بزنه

جدول ۲. کدگذاری باز داده‌های خام

مقوله	زیر مقوله	کدهای اولیه	داده‌های خام
		حرص طرف را درآوردن	چون من برآش اهمیتی نداشتم می‌خواستم بهش نشون بدم برای بقیه مهم هستم به خاطر همین کارهایی که دوست نداشتم را انجام می‌دادم تا حرصش در بیاد و به چشمش پیام
		لجبازی کردن	هر وقت نیاز داشتم به من محبت می‌کرد، این یعنی میتونه محبت کنه اما چون لجبازه، نمیکنه
عدم اعتماد	عدم اعتماد در زندگی زناشویی	احساس زیر نظر بودن	من توی اون خونه زیر نظر بودم و هیچ آسایشی نداشتم نمی‌تونستم هر لباسی که می‌خواهم بپوشم هرجایی که می‌خواهم بروم حتی خونه فامیل ما در شوهرم.
		برعکس عمل کردن	هر حرفی که من می‌زدم درست اون عکسش را عمل می‌کرد

جدول ۳. عوامل علی‌الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق

اجزا پارادایم	مقوله	زیر مقوله	کد اولیه
عوامل علی‌الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق	طلاق عاطفی	تعارض‌های عاطفی	نبود عشق قطع ارتباط عدم حمایت عاطفی نادیده انگاری عدم رضایتمندی از زندگی زناشویی عدم اهمیت به خواست و نیاز همسر حرف شنوی مطلق از خانواده عدم حس امنیت در زندگی زناشویی
		تعارض‌های ارتباطی	اهمیت دادن به شغل عدم وقت گذرانی با همسر عدم گفت و گو نفرستادن پیام یا زنگ نزدن
	ساختار انگیزشی	درماندگی آموخته شده	بی‌محل‌ی کردن سکوت کردن پاسخ ندادن به همسر سکوت کردن به خاطر عدم اهمیت همسر قطع ارتباط یک طرفه پنهان کاری درمانده شدن در روابط گفت و گوهای کلیشه ای سؤال پرسیدن‌های تکراری و بی‌جواب

جدول ۳. عوامل علی‌الکوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق

کد اولیه	زیر مقوله	مقوله	اجزا پارادایم
عدم رازداری سرپچه خالی کردم بهانه گیری قهقهه های مکرر ارتباط را قطع کردن فقدان عکس العمل های عاطفی عدم نشان دادن احساسات	اقدامات رفتاری (هیجان های منفی)		
عدم احترام به همسر بی احترامی کردن بداخلاقی کردن کتک زدن پر خاشگیری ایراد گرفتن های زیاد مهربان نبودن نداشتن رفتارهای عاشقانه انجام کلک و حقه بازی عدم شوخ طبعی امرونی کردن زیاد پر خاشگیری برای صحبت نکردن انتقاد و شکایت کردن بد دهان بودن غر زدن سرزنش و تحقیر کردن نیش و کنایه زدن تمسخر کردن توی جمع	تعارض های اخلاقی	فقدان صمیمیت زناشویی	

جدول ۴. عوامل تسهیل کننده الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق

کد اولیه	زیر مقوله	مقوله	اجزا پارادایم
من همینم که هستم اهمیت شغل بر همسر توجه کردن	عدم مهارت روابط بین فردی	عدم آشنایی نسبت به زندگی زناشویی	عوامل تسهیل کننده الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق

جدول ۴. عوامل تسهیل کننده الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق

کد اولیه	زیر مقوله	مقوله	اجزا پارادایم
محکوم کردن دیگری حالت دفاعی گرفتن بهانه جویی کردن به دنبال جواب بودن	عدم بکارگیری مهارت‌های زندگی	اعمال محدودیت‌های بدون منطق	

جدول ۵. عوامل زمینه‌ای الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق

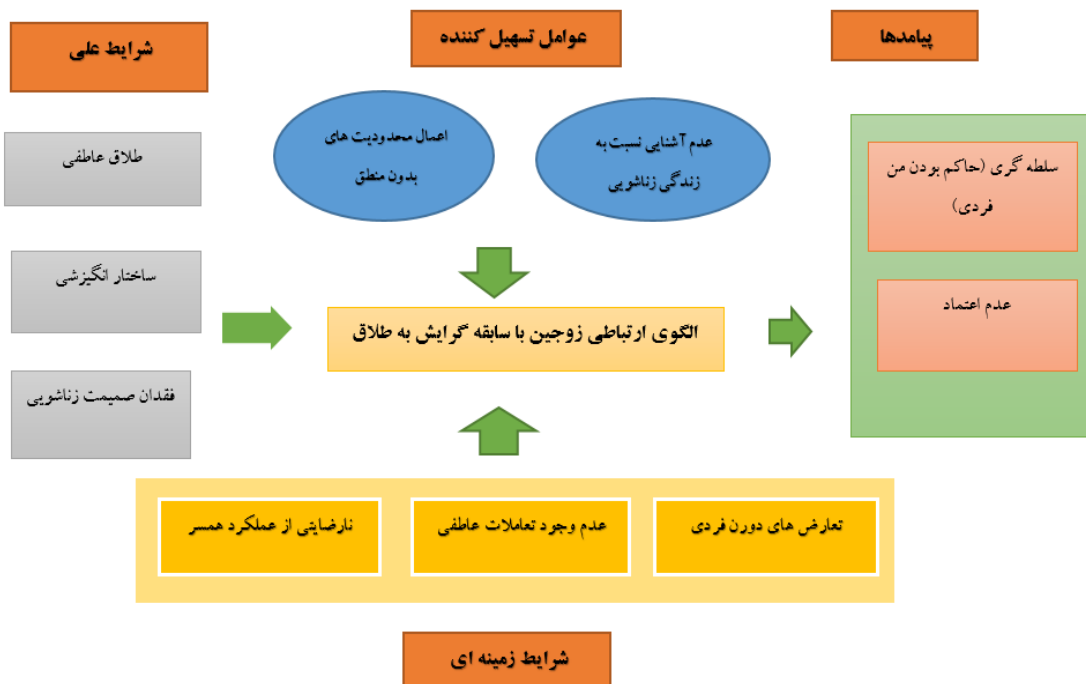
کد اولیه	زیر مقوله	مقوله	اجزا پارادایم
حضور کم در منزل عدم توجه به همسر عدم توجه به احوالات روحی همسر عدم توجه به رضایتمندی همسر نبود گوش شنوا عدم ارتباط کلامی عدم انعطاف پذیری و مکمل بودن عدم تعهد در قبال همسر تحقیر کردن	نقصان فردی	تعارض‌های درون فردی	عوامل زمینه‌ای الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق
عدم ابراز احساسات به طور کلامی سرد بودن همسر و عدم بیان جملات عاشقانه عدم ابراز عشق به صورت عملی	تامین نشدن نیازهای عاطفی	عدم وجود تعاملات عاطفی	

جدول ۶. پیامدهای الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق

کد اولیه	زیر مقوله	مقوله	اجزا پارادایم
----------	-----------	-------	---------------

جدول ۶. پیامدهای الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق

کد اولیه	زیر مقوله	مقوله	اجزا پارادایم
لجبازی کردن و ساز مخالف زدن حرص طرف را درآوردن لجبازی کردن	فرد گرایی	سلطه گری (حاکم بودن من فردی)	پیامدهای الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق
احساس زیر نظر بودن برعکس عمل کردن	عدم اعتماد در زندگی زناشویی	عدم اعتماد	



شکل ۱. الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق

براساس یافته‌های پژوهش، طلاق عاطفی، ساختار انگیزشی و فقدان صمیمیت زناشویی، عوامل علی الگوی ارتباطی زوجین با

بحث و نتیجه‌گیری

ابزارهایی که زوجین برای مواجهه با تعارضات از آن بهره می‌گیرند تا حدی زیادی متناسب با جنس تعارضات میان آنها است. در خانواده‌هایی با تعارض‌های اخلاقی که خود زمینه‌ساز فقدان صمیمیت زناشویی می‌گردد، جنس تعارض غالباً احساسی و عاطفی می‌باشد (۱۴). مشارکت‌کنندگانی اذعان داشتند «هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌داد انگار نه‌انگار یا با موبایلش بازی می‌کرد یا اخم می‌کرد یا با اطراف‌ور می‌رفت و موقعی که حرف می‌زد فقط توی تلویزیون یا گوشیش بود» و «همسر من را توی جمع خرد می‌کرد و کارهای من را به تمسخر برای بقیه تعریف می‌کرد و وقتی بهش می‌گفتم من ناراحت میشم می‌گفت من که چیزی نگفتم» و «وقتی زن و شوهرای دیگه رو میدیدم که توخیابون با هم راه میرن به هم ابراز علاقه و عشق میکنن، عذاب می‌کشیدم و وقتی بهش می‌گفتم من را سرزنش و تحقیر می‌کرد که تو میخای مثل این بچه‌های جلف باشی، واقعاً ارزشت در همان حد».

عوامل تسهیل‌کننده در الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق شامل دو مقوله عدم آشنایی نسبت به زندگی زناشویی و اعمال محدودیت‌های بدون منطق می‌باشد. لذا نداشتن مهارت‌های لازم برای ایفای نقش همسری منجر به اختلال در زندگی زناشویی و اعمال محدودیت‌های بدون تفکر و منطق، جر و بحث همسران، توجیه کردن خود، حالت دفاعی کردن و محکوم کردن طرف مقابل و اختلافات و کشمکش‌های مکرر بین همسران آثار مخربی بر روابط همسران دارد و مانع آرامش در زندگی زناشویی می‌شود (۱۵). مشارکت‌کننده‌هایی بیان کردند که «اصلاً توجهی به من نداشت فقط کار برایش مهم بود» و «وقتی دارم باهاش حرف می‌زنم فقط به فکر اینکه که چطوری توجیه کنه و گاهی اصلاً جواب‌هایش به سؤال من ربطی نداره».

شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایطاند که در یک زمان و یک مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسایلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل و تعامل‌های خود به آنها پاسخ می‌دهند (اشتراس و کوربین، ۱۹۹۸). در پژوهش حاضر منظور از شرایط زمینه‌ای هر گونه بافت اجتماعی، اوضاع و احوال حاکم بر الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق می‌باشد. در این پژوهش شرایط زمینه‌ای شامل سه مقوله تعارض‌های درون فردی، عدم وجود تعاملات عاطفی و نارضایتی از عملکرد همسر می‌باشد. در اولین مقوله تعارض‌های درون فردی در بخش عوامل تسهیل‌کننده، حضور کم در منزل و

سابقه گرایش به طلاق هستند. عوامل علی‌عواملی که سبب ایجاد مقوله محوری می‌شوند (۱۱). مطابق با یافته‌های بدست آمده، طلاق عاطفی شامل دو مقوله تعارض‌های عاطفی، تعارض‌های ارتباطی؛ ساختار انگیزشی شامل دو مقوله درماندگی آموخته شده، اقدامات رفتاری (هیجان‌های منفی) و فقدان صمیمیت زناشویی شامل مقوله تعارض‌های اخلاقی می‌باشند. در زمینه الگوهای ارتباطی با طلاق عاطفی، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با کنترل عواطف رابطه وجود دارد و همچنین ساختار قدرت در خانواده و الگوهای ارتباطی خانواده می‌تواند روابط زوجین را پیش‌بینی نماید (۱۲). در این باره مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد که «من رو تو بدترین شرایط تنها می‌گذاشت و معلوم نبود کجا بود برای همین ازش فاصله گرفتم و زدم به بی‌خیالی» و یا «ساعت‌ها با دیگران صحبت می‌کنه اما یک پیام یا تلفن توی روز به من نمیزنه حال من را بیرسه». از عوامل علی‌دیگری که می‌تواند بر الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق تاثیر بگذارد، ساختار انگیزشی است. طبق دیدگاه ککس و کلینگر (۲۰۰۴) اهداف، نقش کلیدی در زندگی بشر ایفا می‌کنند و انجام هر کاری در زندگی مستلزم انتخاب و تعقیب یک هدف است. افرادی که باور دارند که به اهدافشان خواهند رسید، نسبت به افرادی که چنین باوری ندارند، معمولاً شادی و رضایت بیشتری از زندگی خود دارند. در دیدگاه ککس و کلینگر (۲۰۰۴) انگیزش به‌عنوان فرآیندهایی تعریف می‌شود که راه‌های رسیدن به هدف را میسر می‌سازند. بر این اساس، اهداف فرد و شیوه‌های جستجوی آنها ساختار انگیزشی نامیده می‌شوند. در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین ساختار انگیزشی و رضایت زناشویی نشان دادند که سطح کلی موفقیت در دستیابی به اهداف در حیطه‌های مختلف زندگی می‌تواند عامل مهمی در تعیین رضایت زناشویی باشد (۳). مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید «همه‌چیز را به‌طور واضح برای اون می‌گفتم و هر روز ازش می‌پرسیدیم که چرا این کارها را با من می‌کنی؟ چرا زندگی مشترک مون را نابود می‌کنی؟ چرا دست از این کارهای بد بر نمی‌داری؟». در فقدان صمیمیت زناشویی، صمیمیت، پایه و اساس رابطه زناشویی است و ازدواج برای تأمین این نیاز حیاتی شکل می‌گیرد. صمیمیت یک فرایند تعاملی گسترده می‌باشد که می‌تواند از بحث درباره جزئیات تا افشای خصوصی‌ترین احساسات را در برگیرد. صمیمیت منبع قدرتمند حمایت عاطفی و روانی محسوب می‌شود و مانند یک سپر، زوجین را در برابر آسیب حمایت می‌کند (۱۳). لذا جنس

یک زندگی شاد و موفق خواهد داشت. همچنین یکی از نکات مهم و اساسی در روابط زناشویی آشنایی و احترام به آزادی‌های فردی زوجین است که متأسفانه در کشور ما به علت عدم آگاهی دقیق از روابط بین فردی و عدم پذیرش آن و شاید برداشتهای نادرست از عقاید مذهبی منجر به رفتارهای کنترل گرایانه در بین زن و شوهر شده که خواسته یا ناخواسته در روابط زناشویی اختلال ایجاد کرده است. این اختلال موجب بروز یک سری احساسات و هیجانات منفی مانند پریشانی، احساس گناه، ترس و وحشت، خصومت و ... از سوی همسران را پدید آورده که در درازمدت شاهد مشکلات اساسی در روابط زوجین و به تبع آن، بی اعتمادی در زوجین و بعضاً جدایی و طلاق می‌گردد (۵). در مورد این مقوله‌ها مشارکت‌کننده‌ها بیان کردند «چون من برایش اهمیتی نداشتیم می‌خواستیم بهش نشون بدم برای بقیه مهم هستم به خاطر همین کارهایی که دوست نداشت را انجام می‌دادم تا حرصش در بیاد و به چشمش بیام» و «من توی اون خونه زیر نظر بودم و هیچ آسایشی نداشتیم نمی‌تونستم هر لباسی که می‌خواهم بپوشم هرجایی که می‌خواهم بروم حتی خونه فامیل ما در شوهرم».

بنابراین با توجه به مطالب یادشده اگر زوجین که در ارتباط مستقیم به یکدیگر می‌باشند؛ دارای نظام شخصیتی رشد یافته باشند، سعی در برقراری کنش عاطفی، مبادله ای و نیز گفتگمانی می‌کنند، در نتیجه بین آنها تعاملات و روابط اظهاری بوجود می‌آید که این امر به نوبه خود میزان رضایت زناشویی را به دنبال دارد. بالعکس اگر زوجین دارای شخصیت رشد یافته نباشند؛ سعی در برقراری تعامل و کنش متقابل مبتنی بر خشونت، زور و پافشاری کردن نسبت به دیدگاه‌های مشخصی که عموماً غیر عقلانی است می‌کنند، در نتیجه بین آنها تعاملات و روابط ابزاری بوجود می‌آید که این امر به نوبه خود میزان رضایت زناشویی را به مخاطره می‌اندازد و زمینه را برای بروز و گرایش به طلاق مستعد می‌کند (۱۷).

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافی بین نویسندگان این مقاله وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوه بدون حمایت مالی هیچ نهاد خاصی انجام شده است.

مدیریت زمان در کنار همسر عامل مهم دیگری در تعیین پیامدهای زناشویی به شمار می‌رود. این امر به ویژه در اوائل ازدواج باعث تعارضاتی جدی در رابطه زناشویی شده و از همان آغاز مانع شکل‌گیری یک رابطه زناشویی بهنجار می‌گردد. براساس نظریه مبادله اجتماعی نای، روابط زوج‌های رضایتمند، روابطی با پاداش‌های بیشتر و هزینه‌های کمتر است. از این رو آنها قادرند جنبه‌های توافقی و پاداش‌دهنده روابط خود را تا حد امکان ارتقاء دهند و اختلاف‌ها و موانع موجود در رابطه‌شان را نیز به حداقل ممکن کاهش دهند. این عامل موجب پایداری رابطه همسران و افزایش رضایت مندی آنها می‌شود (۱۶). مشارکت‌کننده‌ای اذعان کرد که «اصلاً منو درک نمی‌کرد که من چه شرایط دارم و چی می‌خام و چه نیازهایی دارم فقط خودش برایش مهم بود». همچنین در مقوله عدم وجود تعاملات عاطفی منطقی به نظر می‌رسد وقتی زوجین در رابطه خود نقایص جدی همچون خشونت، خیانت و نارضایتی جنسی را تجربه می‌کنند و به تدریج میزان توافق و مشارکت بین آنها کاسته می‌شود و این موجب می‌شود با خانواده اصلی خود یا دوستان وقت بیشتری را سپری کنند، در نتیجه رابطه رو به زوال حرکت می‌کند. مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کند که «تاریخ‌ها و مناسبت‌های مهم یادش نبود و هیچ‌وقت یک کادو برای من نخرید و وقتی بهش می‌گفتم امروز چه روزیه می‌گفت چه حرف‌ها من اینقدر سرم شلوغه اصلاً این چیزها برام مهم نیست» همچنین در مقوله نارضایتی از عملکرد همسر، مجموعه انتظارات و توقعاتی که مرد یا زن در چارچوب زندگی خانوادگی از همسر خود دارد، تحت عنوان انتظارات همسران از یکدیگر است. مشارکت‌کننده‌ای گفت «وقتی دوستانم را می‌دیدم با همسرانشون بیرون می‌روند تفریح می‌کنند، با هم بیرون غذا می‌خورند و در کنار هم هستند من خیلی ناراحت می‌شوم».

الگوی ارتباطی زوجین با سابقه گرایش به طلاق شامل دو پیامد سلطه‌گری (حاکم بودن من فردی) و عدم اعتماد می‌باشد. نیاز به قدرت، منبع رفتار جهانی کنترل‌گری است و هر قدر سلطه‌گری را بیشتر به کار ببریم، به همان میزان شادی ازدواج را نابود می‌کنیم تا جایی که به ندرت می‌توانیم به یک زندگی مشترک شاد و بلندمدت دست یابیم. از آنجایی که نیاز به قدرت، یک نیاز ژنتیکی است، نمی‌توان از نیاز به قدرت رهایی جست اما خصلت سلطه‌گری پایه ژنتیکی ندارد و همانند همه رفتارهای ما انتخابی است. این بدان معناست که هر زوجی که بخواهد تئوری انتخاب را جایگزین کنترل‌گری کند، شانس بسیار خوبی برای

ملاحظات اخلاقی

موازن اخلاقی در پژوهش حاضر رعایت شده است.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله از تمامی شرکت‌کنندگان و افرادی که در اجرای این پژوهش ما را یاری نمودند، تقدیر و تشکر به عمل می‌آوریم.

References

1. Mitchell AE, Castellani AM, Herrington RL, Joseph JI, Doss BD, Snyder DK. Predictors of intimacy in couples' discussions of relationship injuries: An observational study. *Journal of Family Psychology*. 2008;22(1): 21.
2. Naseri H. Life Skills Training Guide (Instructor Handbook). Tehran: Publications of the Deputy Minister of Cultural Affairs and Prevention of the Welfare Organization. 2015.
3. Narimani M, Rahimi S, Sedaghat M. Predicting emotional divorce of couples based on family communication patterns and motivational structure. *Iranian Journal of Family Psychology*. 2021;5(2): 27-38.
4. Buser TJ, Pertuit TL, Muller DL. Nonsuicidal self-injury, stress, and self-differentiation. *Adultspan Journal*. 2019;18(1): 4-16.
5. Parvandi A, Arefi M, Moradi A. The role of family functioning and couples communication patterns in marital satisfaction. *Family Pathology*. 2016;2(1): 54-65.
6. Karimi M, Daniv V, Rahnejat AM, Kiani Moghadam AS. Relationship spirituality with loving style and couple's communication pattern. *Nurse and Physician within War*. 2017;5(15): 44-52.
7. khosravi j, moradi o, Ahmadiyan H, Yousefi N. Causal Model of Tendency to Emotional Divorce Based on Couples' Communication Patterns Mediated by Marital Boredom (Case Study: Qasrshirin City). *Iranian Population Studies*. 2019;5(2): 185-210.
8. Mikaeli N, Rahimi S, Sedaghat M. The role of family communication patterns, motivational structure and psychological flexibility in predicting couples' emotional divorce. *Family Pathology*. 2018;4(1): 1-16.
9. Timmons AC, Arbel R, Margolin G. Daily patterns of stress and conflict in couples: Associations with marital aggression and family-of-origin aggression. *Journal of family psychology*. 2017;31(1): 93.
10. nabiei a, hosseini ss, kakabaraie k, amiri h. Pattern of Structural Equations in the Relationship Between Divorce Tendency With Communication Skills and Main Family Health With the Mediating Role of Marital Intimacy. *Psychological Models and Methods*. 2021;12(43): 131-43.
11. Cresswell J. *Research design: quantitative, qualitative and mixed approaches*. 2, editor. Tehran: Jihad Daneshgahi Publications - Allameh Tabatabaei Branch; 2021. 123 p.
12. Malekizadeh A, A., , Moradkhah V, Maleki H, Habib H. Investigating the relationship between family communication patterns and emotional control in couples. . First International Conference on Psychology and Social Sciences; Tehran: Barter Services Company.; 2016.
13. Bahmani N, Etemadi O, Ahmadi SA, Fatehizadeh M. The Factors Affecting the Marriage Disaffection among Iranian Couples in Iran: A Qualitative Study. *Journal of Research in Behavioural Sciences*. 2017;15(4): 467-73.
14. Jahani Dolatabad E, Ashayeri T. Examining the role of marital conflicts and methods of dealing with conflicts in the tendency to divorce (Case of study: Citizens with spouses of Ardabil city). *Socio-Cultural Strategy*. 2023;11(4): 341-76.
15. Roshani S, Gharavi Naeini N, Bastani S. Women's narratives of obstacles to peace in married life. *Quarterly Journal of Women and Family Studies*., 2019;8(3): 29-74.
16. abdollahi a, ahadi h, Tajeri B, HajiAlizadeh K. Developing a conceptual model of the factors forming divorce in the first five years of life: a grounded theory study. *Journal of Psychological Science*. 2021;20(97): 1-12.

17. shahbakhti z, Shafiabady A, h j, Jajarmi M. Designing a Family Concept Model in Divorce Applicant Couples Based on Grounded Theory. Journal of Social Work Research. 2018;5(15): -.



© 2022 The Author(s). Published by Isfahan University of Medical Sciences. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited